

مانند بیش‌فعالی، تضادورزی، پرخاشگری و نیز مشکلات درونی‌سازی شده مانند گوشه‌گیری، انزوا و افسردگی است (کمپل، شاو و گیلیوم، ۲۰۰۰). رشد کودک، خود محصل عوامل متعدد و تبادلات پیوسته و پویایی بین ساختار بیولوژیکی، ژنتیک و ویژگی‌های محیطی است (هایز و همکاران، ۲۰۰۸ به نقل از ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸). خانواده مهم‌ترین منبع حمایت اجتماعی، تسهیل‌کننده رشد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اعضا و عامل زیربنایی در تربیت عاطفی، تأمین اقتصادی و احساس تعلق، محوری‌ترین محیط تربیتی مؤثر در حفظ سلامت روانی و اجتماعی و جسمانی و بهترین محیط برای اجتماعی شدن و آشنایی با قوانین، نقش‌ها و ارزش‌های فرهنگی است (طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی، روابط والدین و کودکان است که در زندگی کودک در حال رشد اهمیت زیادی دارد؛ به طوری که کیفیت این روابط در سال‌های اولیه کودکی، رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده را پایه‌گذاری می‌کند (هایز و همکاران، ۲۰۰۸ به نقل از ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸). خانواده نقش‌بنیادین در سلامت و بیماری افراد دارد و اصلی‌ترین نهاد در حفظ سلامت فرد و جامعه است. همچنین، در شکل‌گیری مفاهیم سلامت و بیماری و الگوهای رفتار بهنجار و نابهنجار تأثیری بسزا دارد (طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۶). سبک‌های تربیتی ناکارآمد و تعامل نامناسب والد - کودک در طول دوران تحول به ایجاد مشکلات ارتباطی و در نهایت، آسیب‌پذیری کودکان در برابر اختلال‌هایی نظیر اضطراب، مشکلات رفتاری و آسیب روان‌شناختی منجر خواهد شد (شکوهی یکتا، پرند و درگاهی، ۱۳۹۵).

در باب علت‌شناسی این مشکلات، عوامل زیادی مطرح شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ناتوانی والدین در مدیریت رفتار کودک و تعامل منفی والد - کودک اشاره کرد. برخی از متخصصان معتقدند که اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌باشد. به عبارت دیگر، وجود مشکلات رفتاری در کودکان نشان‌دهنده روابط معیوب اعضای خانواده با

ارتباط مؤثر والد - کودک، زیربنای کاهش مشکلات رفتاری کودکان

مقدمه

خانواده نقش‌بنیادی در ایجاد سلامت و بیماری افراد ایفا می‌کند و اصلی‌ترین نهاد در حفظ سلامت فرد و جامعه است. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی، روابط والدین و کودکان است که در زندگی کودک در حال رشد اهمیت بسزایی دارد. سبک‌های تربیتی ناکارآمد و تعامل نامناسب والد - کودک در طول دوران تحول، به ایجاد مشکلات ارتباطی و در نهایت آسیب‌پذیری کودکان در برابر اختلال‌هایی نظیر اضطراب، مشکلات رفتاری، آسیب روان‌شناختی، منجر خواهد شد. کاهش رابطه مثبت والد و کودک از آگاهی کم والدین در زمینه مهارت ارتباط برقرار کردن با کودک ناشی می‌شود. بنابراین، روش مداخله اولیه که شیوه فرزندپروری والدین را هدف قرار دهد، از روش‌های بسیار مؤثر در پیشگیری از اختلالات مزمن رفتاری است. آموزش کسانی که بیشترین زمان را با کودک می‌گذرانند و بیشترین تأثیر را بر او دارند، احتمال کاهش رفتارهای نامناسب را در کودک افزایش می‌دهد. رابطه والد - کودک، ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظارات منحصر به فرد است که بین والدین و فرزندان وجود دارد و شامل زمان با کیفیت، محبت فیزیکی و ارتباط کلامی است. از روش‌های برقراری ارتباط با کودک، بازی و قصه‌گویی است که می‌تواند نوعی ارتباط دوطرفه و عاطفی بین کودک و والد ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: رابطه والد - کودک، ارتباط مؤثر، بازی، قصه‌گویی

بسیاری از کودکان در سال‌های نخستین کودکی واجد مشکلات عاطفی و رفتاری‌ای هستند که طی زمان و شاید تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز تداوم می‌یابد (گیمیل و هالند، ۲۰۰۲ به نقل از ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۵). مشکلات رفتاری کودکان از رفتارهای نابهنجار تلقی می‌گردد که ضمن عدم تناسب با سن، شدید، مزمن یا مداوم باشد و گستره آن نیز شامل مشکلات برون‌سازی شده



اجرای درست آن‌ها در نمودار ۱ به‌طور خلاصه آمده است. بازی از آنجا که می‌تواند بر جسم و روان کودک تأثیرگذار باشد و همین‌طور بر نحوه ارتباط والد با کودک نیز مؤثر واقع شود (حسن‌آبادی، اصغری و نکاح و طبیبی، ۱۳۹۱). یکی از بهترین روش‌های برقراری ارتباط با کودک است. بازی وسیله‌ای طبیعی برای بیان و اظهار وجود کودک است. فرایند بازی به کودک اجازه می‌دهد که تجارب و تمایلات تهدیدکننده خویش را آشکار سازد (وتینگتون و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، بازی به علت نقش مرکزی در رشد کودک سالم و به‌عنوان شکلی از ارتباط، به خانواده فرصت منحصره‌فرد ارتباط با کودک و درک احساسات انگیزه‌ها، دریافت‌ها و افکار و رفتار او را می‌دهد. نیز افکار درونی کودک را با دنیای خارجی او ارتباط می‌دهد و باعث می‌شود که بتواند اشیای خارجی را تحت کنترل درآورد (ایزدی‌فرد، صبحی، ارجمندنیا، ۱۳۹۶).

یکدیگر و با روش تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آنان با فرزندان ارتباط تنگاتنگی دارد (طهماسیان، ۱۳۷۵). اگر والدین مشارکت خوبی با فرزندان خود نداشته باشند و بر کار آن‌ها به‌طور مناسب نظارت نکنند، طبیعی است که این ضعف در ایفای نقش و ابعاد والدگری با افزایش مشکلات رفتاری کودکان رابطه مستقیم دارد (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۵).

در حقیقت، بین تعامل والد - کودک با سازگاری عاطفی و رفتاری کودک در اوایل کودکی، اواسط کودکی و نوجوانی رابطه وجود دارد. از کیفیت تعامل اغلب به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای برای مشکلات رفتاری کودکان می‌توان استفاده کرد (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۵). کاهش رابطه مثبت والد و کودک بر طبق نظر پژوهشگرانی مانند استونز (۱۹۸۴) از آگاهی کم مادران در زمینه مهارت ارتباط برقرار کردن با کودک ناشی می‌شود. یافته‌های استونز (۱۹۸۴) نشان داد که برنامه‌های آموزشی را از این لحاظ که سبب افزایش آگاهی می‌شوند می‌توان به‌عنوان روشی مؤثر در بهبود مراقبت از کودک و افزایش تعامل با کودک در نظر گرفت (ابارشی، ۱۳۸۸).

بنابراین، روش مداخله اولیه که شیوه فرزندپروری والدین را هدف قرار دهد، در زمره روش‌های بسیار مؤثر در پیشگیری از اختلالات مزمن رفتاری است. آموزش کسانی که بیشترین زمان را با کودک می‌گذرانند و بیشترین تأثیر را بر او دارند، احتمال کاهش رفتارهای نامناسب را در کودک افزایش می‌دهد (جلالی و همکاران، ۱۳۸۷).

شیوه فرزندپروری مثبت شامل چهار مهارت مهم است که در این مقاله صرفاً به مهارت اول (رابطه والد - کودک) پرداخته می‌شود. سایر مهارت‌ها فهرست‌وار در زیر آمده‌اند:

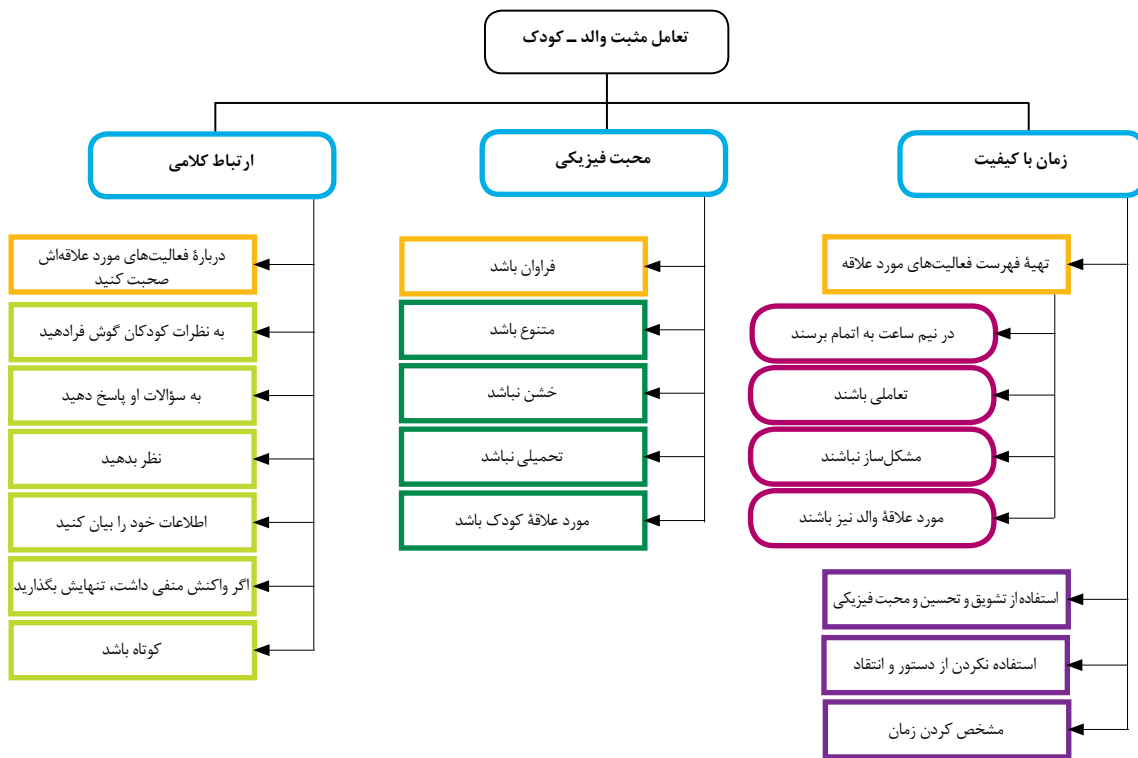
- مهارت تقویت روابط کودک و والدین
- مهارت تشویق رفتارهای مطلوب در کودکان
- مهارت آموزش رفتارهای جدید به کودک
- کنترل بدررفتاری‌های کودکان (طالعی، طهماسیان و وفایی، ۱۳۹۰).

رابطه والد - کودک، شامل ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظارات منحصره‌فردی است که بین والدین و فرزندان وجود دارد (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۵).

الگوی تعامل والد - کودک برای رشد مطلوب کودک، که ویجیل و هاو، فرولیچ (۲۰۰۴) ارائه کرده‌اند، عبارت است از توجه به کودک و هر آنچه متعلق به اوست، توجه به بازی کودک، صحبت کردن با او و توجه به هر آنچه کودک با آن درگیر است، تماس با کودک و هر آنچه متعلق به اوست، لمس کردن کودک یا تماس با او و اشیای او هنگام بازی و تعامل با کودک و ارتباط کلامی در حالت‌های مختلف والد با کودک (زارع و همکاران، ۱۳۹۵).

تعامل مثبت با کودک شامل مؤلفه‌های ۱. صرف زمان پرمحتوا با کودک، ۲. صحبت کردن با کودک، ۳. نشان دادن عواطف، و ۴. محبت جسمانی است که راهکارهای





نمودار ۱. برگرفته از چهارمین دورهٔ تربیت روان در مانگر کودک انجمن روان‌شناسی ایران، ۱۳۹۶

منابع

۱. ابارشی، زهره؛ طهماسیان، کارینه؛ مظاهری، محمدعلی؛ پناغی، لیلا. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه «روانی ارتقای رشد - اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر - کودک» مادر بر خود اثرمندی والدگری و رابطه و کودک زیر سه سال، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش در سلامت روان شناختی، ۳ (۳)، ۵۷ - ۴۹.
۲. ایزدی‌فرد، راضیه؛ صبحی، ناصر؛ ارجمندنیبا، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی درمان تعامل والد - کودک در بهبود توجه پایدار دانش‌آموزان، مجلهٔ روان‌شناسی مدرسه، ۶ (۱)، ۲۵ - ۷.
۳. شکوهی یکتا، محسن؛ پزند، اکرم؛ در گاهی، محبوبه. (۱۳۹۵). مداخله‌های پیشگیرانهٔ خانواده‌محور؛ تأثیر بر روابط والد - کودک و روش‌های تربیتی والدین، فصلنامهٔ سلامت روانی کودک، ۳ (۲)، ۶۳ - ۵۵.
۴. جلالی، محسن؛ شعیری، محمدرضا؛ طهماسیان، کارینه؛ پوراحمدی، الناز. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش برنامهٔ فرزندپروری مثبت (P3) بر کاهش علائم کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار/ دانشگاه شاهد، ۱۶ (۳۴)، ۳۹ - ۲۹.
۵. طهماسیان، کارینه؛ موتابی، فرشته و دیگران. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سلامت خانواده‌های ایرانی؛ مفهوم خانواده سالم، شناخت ویژگی‌های خانواده سالم ایرانی و عوامل آسیب‌زا از دیدگاه متخصصان، مجلهٔ دانشکدهٔ پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۵ (۸)، ۶۴۱ - ۶۳۰.
۶. ساطوریان، عباس؛ طهماسیان، کارینه؛ احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). نقش ابعاد والدگری و رابطهٔ والد - کودک در مشکلات رفتاری درونی‌سازی‌شده و برونی‌سازی‌شدهٔ کودکان، ۱۲ (۴۸)، ۷۰۵ - ۶۸۳.
۷. طلوعی، علی؛ طهماسیان، کارینه؛ وفاپی، ترگس. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر خوداثرمندی والدینی مادران، ۷ (۲۷)، ۳۲۳ - ۳۱۱.
۸. زارع، حمیده؛ طهماسیان، کارینه و دیگران. (۱۳۹۵). مشاهدهٔ الگوی تعامل مادران ایرانی در یک موقعیت بازی با کودک، فصلنامهٔ خانواده‌پژوهی، ۱۲ (۴۵)، ۲۵ - ۷.
۹. شکوفه‌فرد، شایسته؛ مظاهری، محمدعلی؛ طهماسیان، کارینه. (۱۳۹۴). اثربخشی قصه‌گویی مبتنی بر دل بستگی بر کاهش مشکلات زمان خواب و بهبود رابطهٔ کودک - مادر، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۱ (۴۳)، ۲۸۳ - ۲۷۳.
10. Wethington, H. R., Hahn, R. A., Fuqua-Whitley, D. S., Sipe, T. A., Crosby, A. E., Johnson, R. L., & Task Force on Community Preventive Services (2008). The effectiveness of interventions to reduce psychological harm from traumatic events among children and adolescents: a systematic review. *American Journal of Preventive Medicine*, 35(3), 287-313.

یکی دیگر از روش‌های برقراری ارتباط با کودک، قصه‌گویی است. قصه‌گویی می‌تواند نوعی ارتباط دوطرفه و عاطفی بین کودک و والد ایجاد کند و با افزایش حساسیت و در دسترس بودن والد، که خود را به شکل نزدیکی عاطفی و فیزیکی به کودک، برقراری ارتباط کلامی با او و مهم‌تر از همه لذت بردن از بودن با کودک نشان می‌دهد، آرامش عاطفی برای او به ارمغان آورد. قصه‌گویی والد ابزار ایجاد تعامل مثبت دوفره است که از طریق آن کودک با تصویری از در دسترس بودن و پاسخ‌دهی والد روبه‌رو می‌شود.

قصه‌گویی به خودی خود فعالیت است که با فراهم کردن تجربهٔ سرگرمی در بافتی از تخیل، عاطفهٔ کودک را برمی‌انگیزد و فعالیت ذهنی وی را تشویق می‌کند (بتلهایم، ۱۹۷۶). در حقیقت، صرف زمان مقتضی برای فعالیت ساده‌ای چون قصه‌گویی، موقعیت صمیمانه‌ای فراهم می‌کند که طی آن، والد - کودک همراه با هم روایت آشنا می‌شوند و به وقایع، واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند. در این فرایند، والد در تجربه‌ای مشابه با کودک سهیم می‌شود، فرصت پیدا می‌کند که با احساس و رفتار کودک هماهنگ شود، در رابطه‌ای متقابل به شکل اختصاصی به او توجه کند و پاسخ دهد (فرد و کلیک، ۲۰۱۱ به نقل از شکوفه‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴).